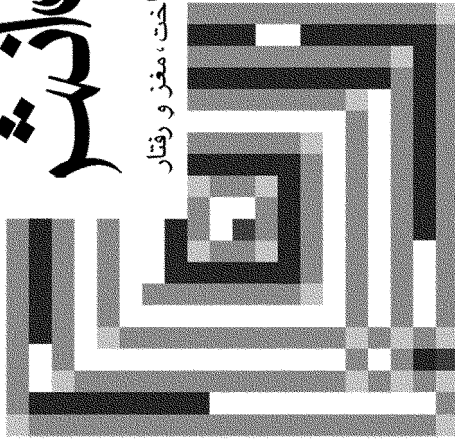


# بازتاب

نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار



سال اول، زمستان (۱۳۸۵)، شماره ۲

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند

سر دبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده

زیر نظر هیئت تحریریه

طراحی جلد: فاطمه پاشاخانلو

مسئول هنری و صفحه‌آرا: فاطمه نویدی

مسئول فروش و اشتراک: حسین افشار

بها: ۲۵۰۰ تومان

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ: چاپ زیبا: کیلومتر ۱۴، جاده قدیم کرج، بلوار

گلستانک، کوچه نوری، پلاک ۱۴، تلفن: ۴-۴۴۱۹۷۱۶۳

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۳۲۲

تلفن: ۸۸۹۷۷۰۰۲ - ۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

## هیأت تحریریه

دکتر محمدرضا باطنی

زبان‌شناس

دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا

جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی

نویسنده و ناشر

دکتر محمدرضا زرین‌دست

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر ونداد شریفی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری‌افشار

نویسنده و مترجم

دکتر اصلاان ضرابی

روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی

روان‌شناس

دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان

استاد فلسفه و ادبیات

دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن عشایری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر رامین مجتبابی

روان‌شناس و روان‌پزشک

کالج پزشکی آلبرت اینشتاین

دکتر آذرخش مگری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

نورولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیرنوری

جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور

زبان‌شناس

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

## فهرست:

- سخن سردبیر ..... ۳  
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- نکاتی درباره ریشه‌های نظری آسیب‌شناسی روانی توصیفی ..... ۵  
رامین مجتبابی
- تو خود را در من نمی‌شناسی / من خود را در تو می‌شناسم ..... ۹  
(داستان زندگی افراد مبتلا به فلج مغزی از نوع آتوئید / دیستونیک)  
عبدالرحمن نجل رحیم (رحمان نجل)
- مغزپژوهی اجتماعی درباره «خویشتن» چه می‌گوید ..... ۲۶  
تاد ف. هیترتون، سی. نیل مکر، ویلیام ام. کلی / ترجمه شهرزاد دیباییان
- آیا فقط دو جنس زن و مرد وجود دارد؟ ..... ۳۲  
زهاله مشتاق، شبنم شایسته‌خو
- روان‌شناسی شوخی ..... ۳۷  
اکرم خمسه
- فرایندهای حافظه فعال در ذهن و مغز ..... ۴۶  
جان جونیدز، استیون سی. لیبسی، درک اوان نی / ترجمه ژاکلین گل‌دیان
- تحلیل روایی - شناختی حکایتی از گلستان سعدی (طرح اولیه) ..... ۵۲  
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- کاربست تمثیل در شناخت درمانی ..... ۶۱  
علی صاحبی
- اندیشناکی: مفهومی جدید در شناخت درمانی افسردگی ..... ۷۰  
حسن حمیدپور
- پرسش و پاسخ ..... ۸۵  
رابرت لونسون / ترجمه حسن حمیدپور
- معرفی کتاب: خاستگاه آگاهی / روان‌شناسی ویگوتسکی ..... ۸۸

## سخن سردبیر

رسم و آیین ارج‌گذاری به بزرگان علم و دانش، در عصرهای مختلف تاریخی و در نقاط مختلف جهان، امری لازم و پراهمیت، شمرده می‌شده است و در آثار گذشتگان خود ما نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ضرورت این دریافت و بازشناسی، صرفاً ادای احترام به عنوان و وظیفه اخلاقی و انسانی نبوده است، بلکه نوعی تضمین در تداوم علم و دانش از سویی، و وارد کردن نگرش تکوینی - تکاملی در تفکر علمی و حافظه تاریخی، از سوی دیگر بوده است. نمونه گویای آن را از نیوتون (۱۶۷۶) نقل می‌کنند که در دفاع از حقانیت علمی خود گفته بود: «اگر توانسته‌ام دور دست‌ها را ببینم، از آن روست که بر دوش غولان ایستاده‌ام!» در این بیان مشهور، دو جنبه انسانی و تکاملی، به نحو بسیار جالب و آموزنده‌ای به هم پیوند خورده است.

مراجعه به آثار گذشتگان نشان می‌دهد که دانشمندان، حکما و فلاسفه معمولاً از اساتید خود به نیکی و بزرگی یاد می‌کردند و در نوشته‌های خود به شرح و بسط آثار آنها می‌پرداختند. گاهی نیز عقاید و آرای آنان را مورد انتقاد قرار می‌دادند. نمونه بارز آن را می‌توان در شیوه برخورد ابوبکر محمدبن زکریای رازی (۲۱۳-۲۵۱ ه. ق.) با جالینوس در کتاب الحاوی دید. او با وجود آن که در مواردی، نظرات وی را قبول ندارد، اما با احترام از جالینوس یاد می‌کند و در کتاب السیره الفلسفیه از سقراط به عنوان «پیشوای ما» نام می‌برد و خود را ادامه‌دهنده راه او از جهت سیره فلسفی می‌شمارد.

ارج گذاشتن به بزرگان، خود، برخاسته از اهمیت بود که گذشتگان ما برای علم و دانش قایل بودند. اهمیت علم‌آموزی

و کسب دانش به قدری زیاد بود که طالبان آن، مسافت‌های طولانی می‌پیمودند و رنج‌های بی‌شماری را متحمل می‌شدند. و خود این راه‌سپاری و رنج سفر را مرحله‌ای از رسم و آیین معرفت‌اندوزی می‌شمردند و لب به شکایت نمی‌گشودند. همین تجربه، خود آنان را در زمره بزرگان قرار می‌داد. در نتیجه، وقتی به وصال دوست نایل می‌شدند، دلی آکنده از اشتیاق دیدار، سری پُرشور و درونی آماده جذب اطلاعات جدید و طرح پرسش‌هایی در خود پاسخ داشتند. تا به این مرحله از آگاهی - یعنی آگاهی از جهل - نمی‌رسیدند و ظرفیت لازم را برای ایجاد ساخت‌واره‌های ذهنی پیدا نمی‌کردند، انتظار تغییر در خود را نداشتند. سعدی در بوستان، حکایت کوتاهی نقل می‌کند از دانشمند متکبری که از راهی دور به ملاقات کوشیار گیلانی (۴۲۰-۳۶۰ ه. ق.) ریاضی‌دان و منجم می‌رود. اما «با دلی بی‌ارادت، سری پرغرور»، یعنی این که ظاهراً آمادگی درونی از لحاظ ساخت‌واره‌های ذهنی نداشته است. کوشیار چندان اعتنایی به او نمی‌کند و او مجبور می‌شود پس از مدتی، بدون دریافت معانی جدید برگردد. سعدی از زبان کوشیار به آن فرد می‌گوید: «ز دعوی پُری، زان تُهی می‌روی / تُهی آی تا پُرمعانی شوی.» اگر رویه ظاهری این داستان را برداریم، به یک واقعیتی می‌رسیم و آن آمادگی برای پذیرش الگوهای جدید رفتاری و فکری است، فرایندی که خود نیاز به تعلیم و تربیت دارد. جالب است که حتی بزرگان علمی، در کنار مطالعه و تحقیق، ملاقات دانشمندان را جزئی از فرایند آموزش می‌شمردند. رازی در همان کتاب السیره الفلسفیه می‌نویسد: «... اما علاقه من به دانش و حرص و اجتهادی که